

هلمشهری فرهنگ شهر

جشن تولد تاریخی امام رضایی ها

روایت یک روز شاد با حضور پر شور مردم در قلب تهران



بچه‌ها به رنگ آمیزی مشغولند. روی صندلی‌ها و میزهای کوچک نشسته‌اند و در حال رنگ آمیزی‌اند. یکی از دخترها خردسال است و با وجود خردسالی روسری به سر دارد. رنگ پوست‌اش سبزه است. معصومیت خاصی در چشمانش موج می‌زند. نقاشی‌اش را رنگ آمیزی می‌کند. باین بر گهای که به او داده‌اند باید نام، نام خانوادگی و تلفن همراه پدرشان را هم یادداشت کنند تا صورتی که مریبان و موکب داران تشخیص دهند، جایزه بگیرند.



هر دو سمت خیابان سرشار از جمعیت است. وقتی صحبت از امام رضا (ع) و محبان او باشد، خانه از انزوا در می‌آید و عشق او را طلب می‌کنی. به کوچه و خیابان می‌زنی و در شهر خودت، در جشنی که تدارک دیده شده است، شرکت می‌کنی. مردم عاشق امام رضا (ع) هستند. لازم نیست حتما تشریف به حرم نصیبمان شود. همین که قلبت روی پل خیابان کریمخان به عشق امام رضا (ع) می‌تپد، یعنی امام رضایی هستی.



خردسالان کالسه‌سوار زباندند. به این سادگی‌ها نمی‌توان از خبر محبان اهل بیت (ع) گذشت. یکی دیگر هم آن طرف تر بچه به دوش به عشق امام رضا (ع) آمده. اینها همان مردم ساده‌زبانی هستند که قناعت می‌کنند. ناگهان این بیت حضرت لسان الغیب به ذهنمان می‌آید که در مورد همه محبان امام رضا (ع) نیز صدق می‌کند: «در این بازار اگر سودیست با درویش خردست است / خدا یا منعم گردان به درویشی و خردستی.»

مردم به امامان شیعه است: ارادتی که ریشه در کتبه وجود ما دارد. ریشه‌هایی که هر روز محکم تر و قوی تر می‌شود. در گزارش زیر ۱۲ تصویر و روایت از جشن بزرگ امام رضایی‌ها را که دیروز از ساعت ۱۶ تا ۲۲ در تهران برگزار شد می‌خوانید: روایتی از عصر جمعه اردیبهشتی که محور حضور مردم در بین آمدن مهم شهر، شادی از یک میلاد بزرگ بود.

تا خراسان زیاد است. جبرئیل را در همین تهران می‌کنیم، بین دو میدان اصلی شهر: هفتم تیر تا ولیعصر. دور هم جمع می‌شویم تا عرض ازادتمان را اینگونه به امام هشتم (ع) برسانیم و جشن میلاد او را نه فقط در حرم او که در همه شهرها برپا کنیم. این جشن مثل همه جشن‌های دیگر شهری که در این چند سال برگزار شده، یک قافیه مشترک دارد و آن ارادت

آزادی می‌بینیم و صدای صلوات خاصه استاد کریمخانی در گوشمان می‌پیچد و چند لحظه بعد، بوی عطر حرم، نجوای دلنشین دعا و ثنا و نغاره زنی‌های دم غروب ما را می‌برد تا پشت ضریح امام رضا (ع)... در سالروز ولادتش دوست داشتیم در صحن و سرائش باشیم، شربت‌های ناب حرم را بنوشیم و کامران را به بین ورودش شیرین کنیم، اما چه کنیم که راه

فرشاد شیرزادی
روزنامه‌نگار
فاصله تهران تا خراسان ۹۰۰ کیلومتر است اما فاصله میان قلب ما با امام رضا (ع) کمتر از یک قدم است؛ رویه سمت خراسان می‌ایستیم، چشممانمان را می‌بینیم و خود را وسط صحن



می‌توانید مهمان امام رضا (ع) باشید و ناهار یا شام را هم همین‌جا بخورید. کنار پل کباب یا اصلا اگر گوسفند بخورید، سبب زمین تنوری بخورید، سبب زمینی با نمک کم، جان و روحتان را تازه می‌کند. آمیوه‌ای می‌خورید و مهمان امام رضا (ع) بر سر سفره او هستید. این غذا تبرک است.

حاج آقا ناصر باغبانی برای بچه‌ها با کاغذ سبزه رنگ سبیدی، کبوتر ساخته است: «اگر نمی‌توانیم عصر جمعه به حرم امام رضا (ع) مشرف شویم، می‌توانیم روی کبوتر کاغذی هر چه می‌خواهیم بنویسیم و در خیالمان آن را پرش دهیم تا به گنبد زرین امام رضا (ع) برسد و حرفمان را به گوش امام هشتم برساند.» بچه‌ها از حجت الاسلام باغبانی هدیه می‌گیرند. با خود به خانه می‌برند: کبوتر سبزه کبوتران حرم.



دوست دارم صدا بستم کنم امام رضا (ع)!! این نخستین صدایی است که با ورود به میدان هفتم تیر آن را می‌شنوید. ۲۳ نفر در پوشش یک عروسک بزرگ با بچه‌ها بازی می‌کنند تا خاطره امام رضایی بچه‌ها کامل شود. ترانه خوان ادامه می‌دهد: «این دفعه از امام رضا (ع) نوشتم... مردم کف می‌زنند و کودکان با ترانه خوان دم می‌گیرند: «دوست دارم صدات کنم با پارفسا... ضلع جنوب میدان هفتم تیر مملو از جمعیت است. ترانه‌های شاد، هر امام رضایی را به یاد می‌آورد.

یکی از موکب‌داران جنوبی است. ترانه عربی با هجده شیرین جنوبی می‌خواند. اینجا موکب مردم آبادان است. آبادانیان ساکن تهران دست به دست هم داده‌اند تا یک موکب، در جنوب میدان هفتم تیر به خودشان اختصاص دهند و با ترانه عربی مدح امام هشتم شیعیان را بگویند. بالای موکب پلاک دارد و نوشته شده است: «بیش قهوه کنی آبادان». می‌توانید قهوه‌ای بنوشید و به راهنان ادامه دهید و عاشقان اهل بیت (ع) را ببینید.



کمک به ایستاد در روز ولادت امام رضا (ع) فراموش نشدند است. از نذر قربانی برای ایام گرفته تا هر چیز دیگری که فکرش را بکنید. این پایگاه، پایگاه جذب حامی اکرام و محسنتین است که اتفاقا کار نخوان هم دارد. پس نمی‌خواهد دست در جیبشان کشند و دنبال پول نقد بگردند. می‌توانید کارت بکشید و به نیت امام هشتم برای ایام هزینت کنید و از امام رضا (ع) باری بخواهید و مدد بطلبید.



دود اسپند در هوا پراکنده است. بوی اسپند از دور ترها می‌آید. کپه دود در هوا جریان دارد و شما را از چشم زخم دشمنان این سرزمین و این آب و خاک دور نگه می‌دارد. آن سوتر هم اگر چشم بچرخانید، جایگاه امام رضا (ع) می‌تواند گلولی شما را تازه کند. پس حال دیگر باید دانسته باشید که چرا ایران حرم است. آن هم از شمال تا جنوب و شرق تا غرب.

اسمیکرهای بزرگ خبرهای دیگری در راه دارند. مجری برنامه که روی استیج قرار گرفته، با صدای بلند برنامه را اعلام می‌کند. می‌گوید: «این برنامه‌ها و شهر بازی تا ساعت ۲۲ امشب ادامه دارد و قرار است مداحان اهل بیت (ع) هم که چهره‌های آشنایی در تلویزیون بر این صحن دارند، به جشن بزرگ امام رضایی‌ها بیایند و برای مردم مداحی کنند.»



پوشش بشردوستی اینجا هم هست. نه بشردوستی برای راه‌های دور و نزدیک... بله، درست فکر کردید... جنگی که مصیبتی بزرگ را بر سر مردم مظلوم غزه فرود آورد. به قول معروف مردم مظلوم و مقتدر. به نیت امام رضا (ع) و تشریف به حرم ایشان می‌توانید نذر خود را در صندوق جمع‌آوری کمک‌های نقدی مردمی ایران برای مردم مستمده غزه بیندازید.

بازی‌های مختلف هم در این جشن بزرگ نود داده شده بود. عنوان بازی این است: «۲ دقیقه پدر و دختری در کافه بازی ظاهر». ۴ نوع بازی در این کافه وجود دارد: یکی جورچین و دیگری برج هیجان. این بازی‌ها مختص دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله است. یکی از دخترها که با پدرش آمده تا جورچین را حل کند، برنده می‌شود. به عشق امام رضا (ع) گردونه را می‌چرخاند و یک جایزه نصیب خود می‌کند. جایزه شامل شمع، جاسونچی، گلدان، نوشت افزار و پوسه بر دستان پدر است. جورچین را با این جمله حل می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران حرم است. کاش کبوتر حرم باشم.»



گلولی تر کنید. هندوانه شیرین و قرمز بخورید و به بچه‌ها پتان هم تعارف کنید. مردی در کنار خانواده‌اش، بسه دوربین ما لیچند می‌زند، می‌خواهد عکسش را برای همیشه در قاب خزنه امام رضایی‌ها ثبت و ضبط کند. هندوانه شیرین است؛ مثل این روز که تولد هشتمین ستاره تابناک می‌باشد. لیچندهایی که در طول مسیر زیاد دیده می‌شد و انگار عصر جمعه جایش را به یک شادی طولانی داده بود.